دریچه

اقتصادی‌شدن تمام معادن با تغییر قیمت دلار

● شرق: تغییر دلار برداشت از همه معادن حتی معادن با عیار کم را هم اقتصادی کرده است. علیرضا شهیدی، سرپرست سازمان زمین‌شناسی، در گفت‌وگو با «شرق»، این نظر کارشناسان را تأیید می‌کند اما می‌گوید بهبود تکنولوژی هم در اقتصادی‌شدن این معادن بی‌تأثیر نیست. او بیان می‌کند: سازمان زمین‌شناسی حدود ۱۷ تا ۱۸ سال است به بحث اکتشاف ذخایر پنهان ورود کرده است. ذخایر پنهان ذخایری زیرزمینی هستند و هیچ اثری از آنها در سطح زمین دیده نمی‌شود. برای اکتشاف این ذخایر از ابزاری به اسم ژئوفیزیک هوایی استفاده می‌شود و بر اساس ژئوفیزیک هوایی، به دنبال این هستیم منابع و معادن عمق زمین را اکتشاف کنیم. اقدامات خوب انجام دادیم و در کردستان توانستیم معادن آهن، طلا و مس پیدا کنیم. در خراسان جنوبی، سیستان‌وبلوچستان و خیلی از استان‌های دیگر که از این تکنولوژی استفاده کردیم، توانستیم به اکتشاف ذخایر پنهان برسیم. مشروح گفت‌وگو با علیرضا شهیدی، رئیس سازمان زمین‌شناسی، در ادامه می‌آید.

◄ سازمان زمین‌شناسی برای تأمین زیرساخت‌های معادن کوچک چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد؟

توسعه معادن کوچک‌مقیاس که مطرح شده، جزء کارهایی است که بر عهده شرکت تهیه و تولید گذاشته شده است. آنها باید در این‌باره وارد عمل شوند. ما در بحث اکتشاف همه معادن، صرف‌نظر از مقیاس آنها نقش داریم و نقش اساسی خود را برای شناسایی معادن پیگیری می‌کنیم.

◄ معادن کشور بیشتر در کدام استان‌های کشور پراکنده هستند؟

معادن در سراسر کشور پراکنده هستند. بر اساس موقعیت زمین‌شناسی، تعداد معادن در استان کرمان، خراسان یا یزد نسبت به مثلا استان ایلام بیشتر است ولی این‌گونه نیست که در ایلام معدنی وجود نداشته باشد. آنجا هم معادن خاص خود را دارد. معادن سنگ گچ و بیشتر غیرفلزی در این منطقه وجود دارد. اگر معادن هیدروکربورها را در نظر بگیریم، بیشتر در خوزستان وجود دارد و در ایران مرکزی این معادن وجود ندارد.

◄ کارشناسان بر این باورند برداشت از معادن کوچک گروهی صرفا به دلیل تغییر قیمت دلار به مرز اقتصادی‌بودن رسیده‌اند در حالی که برخی از آنها عیار مناسب برای استخراج ندارند. این مسئله صحت دارد. ما به مرحله‌ای رسیده‌ایم که معادن با عیار پایین استخراج می‌کنیم؟

این‌گونه نیست. ما معادن پرعیار زیاد داریم. یک‌سری از معادن هم هست که کم‌عیار است. برداشت از این معادن کم‌عیار در گذشته مقرون به صرفه نبوده است. غیر از بحث قیمت دلار بحث فراوری و پیشرفت علم را هم داریم. در گذشته ممکن بود به دلیل نبود تکنولوژی فراوری در عناصر کم‌عیار؛ برداشت از این معادن غیراقتصادی باشد اما در حال حاضر می‌توانیم استخراج انجام دهیم. البته افزایش قیمت ارز را نمی‌توانیم ندیده بگیریم و این مسئله بر اقتصادی‌شدن معادن تاثیر داشته است اما در حال حاضر نمی‌توانم سهم بهبود فناوری و افزایش قیمت ارز را در اقتصادی‌شدن این معادن اعلام کنم.

◄ برخی بر این باورند معادن زغال‌سنگ البرز مرکزی با توجه به وضعیت لایه‌ها غیراقتصادی هستند. با وجود این، مجتمع‌های دولتی به دنبال استخراج این معادن هستند. در این‌باره چه نظری دارید؟

با توجه به اینکه ارزش جهانی زغال بالا رفته است، در حال حاضر همه معادن زغال‌سنگ ما اقتصادی هستند.

به همین دلیل، بخش خصوصی و حتی افراد به صورت محلی، از معادن زغال‌سنگی که در اختیار داشتند و شاید رها کرده بودند، بهره‌برداری می‌کنند. زغال‌سنگ جزء مواد معدنی اقتصادی است. با توجه به نیازی که کشور برای خوراک فولاد دارد، زغال‌سنگ ارزش اقتصادی بالایی دارد.

◄ حجم ذخایر معدنی کشور چقدر است؟

در مواد معدنی مختلف فرق می‌کند. در گچ رتبه دوم در جهان هستیم. در ۳۰ عنصر جزء ۱۵ کشور اول دنیا هستیم.

آنچه به‌عنوان زمین‌شناسی ثبت شده، ذخایر ما ۵۵ میلیارد تن است. از این مقدار ۳۷۰ تا حدود ۴۰۰ میلیون تن سالانه برداشت داریم. از نظر معدنی در دنیا با توجه به اکتشافات تاکنون جزء ۱۵ کشور دنیا هستیم.

◄ در معادن با ارزش بالا جزء ۱۵ کشور دنیا هستیم؟ مثلا ذخایر طلا در کشور وضعیت مناسبی دارد؟

بله مثلا یک‌سری از استان‌ها مثل کردستان، آذربایجان، خراسان و سیستان‌وبلوچستان جزء استان‌های طلایی ما هستند. معادن طلا با عیار خوب و مناسب در این مناطق وجود دارد.

عکس: محمدعلی مریزاد، تسنیم

تشکیل ائتلاف سه‌وجهی برای پرداخت‌های رانتی بررسی شد

یارانه‌های خاص

احسان سلطانی: ترویج و اشاعه فساد در راستای توزیع «یارانه‌های خاص» بین وابستگان ائتلاف غالب با ایجاد لابی‌های سیاسی و اقتصادی و تشکیل سه‌وجهی آهنین بین دولت (بوروکرات‌ها)، مجلس (قانون‌گذاران) و بنگاه‌های اقتصادی صنعتی و معدنی رانتی، اراده قدرت سیاسی در ایجاد و اداره واحدهای صنعتی و معدنی رانتی، نبود شفافیت و نظارت لازم و کافی در دخل‌وخرج بنگاه‌های صنعتی و معدنی شبه‌دولتی (خصولتی) و تقسیم بخش مهمی از سودها و منافع کلان آنها در شبکه‌ای از بنگاه‌های تودرتو و وابسته از مصائب پرداخت «یارانه‌های خاص» است.

در سه دهه اخیر، هرگاه دولت در تأمین منابع مالی خود در تنگنا قرار گرفته، موضوع یارانه‌های انرژی و به‌ویژه افزایش قیمت بنزین به‌شدت و به‌قوت مطرح شده است. افزایش بیش از ۱۰برابری قیمت بنزین در کمتر از ۱۰ سال گذشته و اقداماتی مانند پرداخت یارانه نقدی به‌جای یارانه انرژی، در عمل جز ایجاد چالش‌ها و بحران‌های جدید، نتیجه‌ای در بر نداشته است. در شرایطی بر افزایش قیمت بنزین تأکید می‌شود که بیش از ۱۰ میلیارد دلار یارانه سوخت به صادرات کالاهای خام و اولیه بی‌ارزش و کم‌ارزش تعلق می‌گیرد و قاچاق سوخت دیزل نادیده گرفته می‌شود. نگاه تک‌وجهی، سطحی و ابزاری به مسائل اقتصاد ایران که بر افزایش هزینه زندگی عامه مردم و در سوی دیگر افزایش منافع بخش‌ها و گروه‌های اقتصادی خاص متمرکز است، نه‌تنها به حل چالش‌های جاری کمک نخواهد کرد، بلکه در ذات خود خلق‌کننده مخاطرات آتی نیز هست. در ماهیت موضوع برای کاهش و حذف هرگونه یارانه و رانت هیچ‌گونه اختلاف نظری وجود ندارد؛ اما بنا بر روال مألوف، با مهندسی افکار عمومی تلاش می‌شود اذهان عمومی از اصل موضوع منحرف و با استفاده گزینشی و ابزاری از اصلاح نظام یارانه‌ها، نتیجه‌گیری نهایی در مسیر از پیش تعیین‌شده خاص هدایت شود».

یارانه‌های عام و خاص

در اینجا واژه‌های کلیدی «یارانه‌های عام» و «یارانه‌های خاص» را در اقتصاد ایران مطرح می‌کنیم. «یارانه‌های عام» به عامه مردم پرداخت می‌شود و حتی اگر اقشار مرفه بیشتر برخوردار شوند، نسبت برخورداری آنها از این یارانه‌ها به‌مراتب کمتر از نسبت برخورداری آنها از دیگر منابع و امکانات کشور است. «یارانه‌های خاص» به بخش‌ها و گروه‌های خاص تعلق می‌گیرد و عامه مردم و دیگر بخش‌های اقتصاد، به آن دسترسی ندارند. بنگاه‌های صنعتی و معدنی خصولتی یا متعلق به وابستگان ائتلاف غالب، از رانت‌های گسترده منابع خام (نفت، گاز و معدن) و انرژی با قیمت‌های ارزان (و معمولا کمتر از مردم) استفاده می‌کنند. این رانت‌ها بین صنایع پایین‌دستی و مردم توزیع نمی‌شود و نظر به معافیت‌های مالیاتی و ارزان‌فروشی صادراتی، در کنار بنگاه‌های رانتی داخلی، صنایع کشورهای خارجی نیز از آنها بهره‌مند می‌شوند. منابع خام (نفت، گاز و معدن) و انرژی حق همه مردم ایران است؛ بنابراین گام اول در اصلاح نظام یارانه‌های منابع خام و انرژی، حذف «یارانه‌های خاص» است.

قربانی یا مقصر اتلاف انرژی

اولین موضوع کلیدی در توزیع یارانه‌ها، این است که مردم (دریافت‌کننده یارانه‌های عام) قربانی شرایط اقتصادی کشور هستند و بخش درخور توجهی از یارانه‌ها در نتیجه شرایط تحمیل‌شده اتلاف می‌شود و منافعی برای مردم در بر ندارد. بخش اصلی یارانه‌های عام برای بنزین و گازوئیل (خودروهای مسافری و باری) و گرمایش (گاز طبیعی) و سرمایش (برق) مصرف می‌شود که مصرف بالای بنزین و گازوئیل، نتیجه سیاست‌ها و عملکرد دولت در راستای حمایت از خودروسازان و مصرف بالای انرژی برای گرمایش و سرمایش، نتیجه سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات دولت در حوزه مسکن و آزادی فعالیت مسکن‌سازان است. بنگاه‌های صنعتی و معدنی متکی به رانت منابع خام (نفت، گاز و معدن) و انرژی (دریافت‌کننده یارانه‌های خاص)، اقتصاد کشور را قربانی خود کرده‌اند. این بنگاه‌ها در اصل زهکش و تله رانت‌ها هستند و نقش اصلی آنها، هدایت منابع کشور به سمت گروه‌های منتخب و خاص و کسب منافع و سودهای کلان از سوی آنهاست. بنگاه‌های رانتی صنعتی و معدنی در مقایسه با دیگر بخش‌های صنعتی و اقتصادی، به‌شدت سرمایه‌بر، مصرف‌کننده منابع آبی، آلوده‌کننده محیط زیست و با مصرف انرژی بالا هستند.

تحریف مسیر توسعه

بنگاه‌های صنعتی و معدنی متکی به رانت منابع و انرژی که سهم غالب یارانه‌های عام را دریافت می‌کنند، عامل اصلی انحراف مسیر توسعه کشور از «اقتصاد تولیدمحور» به سمت «اقتصاد رانت‌محور»، به‌جای اقتصاد نوآوری‌محور» هستند. تمرکز دولت‌ها به توسعه اقتصادی معطوف به رشد بنگاه‌های صنعتی و معدنی متکی به رانت منابع و انرژی که تولیدکننده مواد خام و اولیه کم‌ارزش و با ارزش افزوده پایین هستند، عامل اصلی رشد اقتصادی پایین و بی‌کیفیت و عقب‌ماندگی و بحران‌های اقتصادی به شمار می‌رود.

فساد و رانت

ترویج و اشاعه فساد در جهت توزیع «یارانه‌های خاص» بین وابستگان ائتلاف غالب با ایجاد لابی‌های سیاسی و اقتصادی و تشکیل سه‌وجهی آهنین بین دولت (بوروکرات‌ها)، مجلس (قانون‌گذاران) و بنگاه‌های اقتصادی صنعتی و معدنی رانتی، اراده قدرت سیاسی در ایجاد و اداره واحدهای صنعتی و معدنی رانتی، نبود شفافیت و نظارت لازم و کافی در دخل‌وخرج بنگاه‌های صنعتی و معدنی شبه‌دولتی (خصولتی) و تقسیم بخش مهمی از سودها و منافع کلان آنها در شبکه‌ای از بنگاه‌های تودرتو و وابسته، از مصائب پرداخت «یارانه‌های خاص» است.

تحت عنوان خصوصی‌سازی بنگاه‌های سودآور صنعتی و معدنی متکی بر رانت منابع، به بخش به اصطلاح خصوصی واگذار و در اصل شرایطی فراهم شد تا این بنگاه‌ها توسط گروه‌های تحت کنترل (و به دور از هرگونه نظارت) اداره شوند و ضمن برخورداری از هرگونه رانت و به‌ویژه «یارانه‌های خاص» منابع و انرژی، با کسب بالاترین منافع اقتصادی، کمترین میزان مالیات را پرداخت کنند. پرداخت «یارانه‌های خاص» به بنگاه‌های صنعتی و معدنی متکی بر رانت منابع و انرژی یکی از مهم‌ترین عوامل فساد محسوب می‌شود.

قیمت نهاده‌های انرژی برای مردم و بنگاه‌های رانتی

قیمت نهاده‌های انرژی برای مردم «یارانه‌های عام» تا چندین برابر قیمت نهاده‌های انرژی برای بنگاه‌های صنعتی و معدنی «یارانه‌های خاص» است. نحوه قیمت‌گذاری نهاده‌های انرژی (گاز و برق) و آب برای مردم پلکانی تصاعدی و برای بنگاه‌های صنعتی و معدنی عادی است، هرچند قیمت گاز در حالت عادی نیز برای مردم حداقل ۵۰ درصد بیش از بنگاه‌های صنعتی و معدنی است. در فصل سرما مصرف گاز و در فصل گرما مصرف برق مردم به شدت افزایش می‌یابد و در عمل قیمت پرداختی نهاده‌های انرژی و آب برای مردم چندین برابر بنگاه‌های صنعتی و معدنی محاسبه و اخذ می‌شود. حائز اهمیت است که ضمن اعمال سیستم قیمت‌گذاری تصاعدی برای مردم، هیچ معیاری جهت افزایش قیمت نهاده‌های انرژی برای مصرف ناشی از اتلاف یا مصرف غلط انرژی در واحدهای صنعتی ناکارآمد وجود ندارد.

بنگاه‌های بزرگ صنعتی و معدنی متکی به رانت منابع خام (نفت، گاز و معدن) و انرژی که اصولا سرمایه‌بر و انرژی‌بر به شمار می‌روند، سهم پایینی در ایجاد اشتغال کشور دارند

یارانه‌های خاص نه تنها بین اقلیت خاص تقسیم می‌شود که حتی در سطح اشتغال و پرداخت دستمزد نیز جمعیت کوچکی را پوشش می‌دهد

درآمد به ریال، هزینه به دلار

موضوع کلیدی دیگر این است که در یک‌سال‌ونیم که از شوک ارزی اخیر می‌گذرد، میانگین درآمد مردم کمتر از ۵۰ درصد بالا رفته، اما میانگین درآمد فروش بنگاه‌های صنعتی و معدنی متکی بر رانت منابع خام (نفت، گاز و معدن) و انرژی بیش از ۱۵۰ درصد افزایش یافته که سه برابر بیش از مردم است. بنابراین افزایش قیمت نهاده‌های انرژی باید از بنگاه‌های صنعتی و معدنی متکی بر رانت (یارانه) منابع آغاز شود که درآمد به دلار یا معادل آن دارند و نه مردمی که درآمد به ریال دارند. در صورتی قیمت نفت، گاز و مواد خام معدنی و انرژی بنگاه‌های معدنی و انرژی‌بر (مانند معادن، فولادی و پتروشیمی) متناسب با افزایش قیمت آنها از ابتدای شوک ارزی اخیر (به میزان ۱۵۰ درصد) افزایش پیدا کند، نه تنها کسری بودجه دولت کاملا جبران می‌شود که حتی دولت می‌تواند اقدام به جبران بخشی از فشار ناشی از شوک ارزی به مردم کند.

در شرایطی که در نتیجه شوک ارزی سال ۱۳۹۷، سود بنگاه‌های صنعتی و معدنی متکی بر رانت منابع در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال قبل از آن بیش از صددرصد افزایش یافت، دولت به جای اینکه اقدام به اخذ مالیات از آنها کند، علاوه بر معافیت‌های گسترده مالیاتی قبلی (مانند معافیت‌های مالیاتی صادراتی و بورسی)، معافیت مالیاتی جدیدی تحت عنوان «معافیت سود انتقالی به حساب سرمایه» برای این بنگاه‌ها قائل شد. بنگاه‌های صنعتی و معدنی متکی بر رانت منابع نظر به اشتغال پایین، در پرداخت مالیات تأمین اجتماعی (حق بیمه) نیز سهم ناچیزی دارند. گروه‌های برخوردار از «یارانه‌های خاص» با وجود برخورداری از بیشترین مقدار یارانه‌ها (رانت‌ها) و کسب سود و منافع کلان، کمترین مالیات (هم در مقیاس ملی و هم جهانی و اعم از مالیات شرکتی یا مالیات تأمین اجتماعی) را به اقتصاد می‌پردازند.

توزیع یارانه‌های خاص بین اقلیت منتخب

بنگاه‌های بزرگ صنعتی و معدنی متکی به رانت منابع خام (نفت، گاز و معدن) و انرژی که اصولا سرمایه‌بر و انرژی‌بر به شمار می‌روند، سهم پایینی در ایجاد اشتغال کشور دارند. بر اساس نتایج طرح آمارگیری از معادن سال ۱۳۹۶ مرکز آمار ایران، اشتغال بخش معدن کشور ۹۶ هزار نفر و اشتغال صنایع فلزات اساسی و پتروشیمی در حدود ۱۵۰ هزار نفر است که در مجموع حدود پنج درصد اشتغال صنعتی و کمتر از یک درصد اشتغال کشور را پوشش می‌دهد. یارانه‌های خاص نه تنها بین اقلیت خاص تقسیم می‌شود که حتی در سطح اشتغال و پرداخت دستمزد نیز جمعیت کوچکی را پوشش می‌دهد.

پرداخت یارانه‌های کلان به بخش معدن و صنایع معدنی و فلزات اساسی

نحله‌های نئولیبرال بحث یارانه‌ها را صرفا روی «یارانه عام» بنزین متمرکز کرده‌اند و به یارانه‌های بسیار کلان در بخش‌های دیگر اقتصاد مانند معدن توجهی نمی‌شود. در شرایطی که کل بهره مالکانه معادن در بودجه سال ۱۳۹۸، ۱۵۰ هزار میلیارد تومان است و مواد و محصولات معدنی (به‌ویژه فلزات اساسی) از ارزش فروش داخلی ۳۰۰ هزار میلیارد تومان و صادراتی ۱۰ میلیارد دلار برخوردار هستند، موضوع «یارانه‌های خاص» معدنی و صنایع معدنی در بحث یارانه‌ها و رانت عامدانه مغفول و مسکوت مانده است. در کنار «یارانه‌های خاص» پیشین، بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان یارانه جدید افزایش دستوری نرخ ارز عاید بنگاه‌های معدنی و صنایع معدنی در سال ۱۳۹۷ شد. سود خالص بزرگ‌ترین بنگاه رانتی ایران (فولاد مبارکه) در سال ۱۳۹۷ با ۱۲۷ درصد رشد نسبت به سال ۱۳۹۶، به ۱۶۶۰۰ هزار میلیارد تومان بالغ شد که از بودجه عمومی ۱۰ استان بزرگ کشور بیشتر و بیش از چهار برابر کل یارانه نقدی پرداختی ماهانه به مردم است. در بخش معدنی و صنایع معدنی بیش از صد گروه محصول وجود دارد که همه آنها از «یارانه‌های خاص» مواد معدنی، گاز و برق ارزان به‌شدت بهره می‌برند. بخش معدن و صنایع معدنی به مراتب بیش از بخش پتروشیمی و شیمیایی انرژی الکتریکی مصرف می‌کند. به عنوان مثال، برق مصرفی یک واحد تولید فروسیلیسیم از واحدهای پتروشیمی بالاتر و حتی از یک شهر کوچک بالاتر است. در سطح جهان دوسوم هزینه تولید فروسیلیسیم شامل انرژی الکتریکی می‌شود و فقط «یارانه خاص» انرژی الکتریکی دریافتی توسط این گروه بیش از دو هزار میلیارد تومان است.

صادرات متکی به یارانه‌ها

در سال ۱۳۹۷، سهم کالاهای صادراتی غیرنفتی برخوردار از رانت، برای رانت نفت- گاز- انرژی ۵۷ درصد، رانت معادن- انرژی ۱۹ درصد، رانت آب- انرژی هشت درصد و رانت نهاده‌ها چهار درصد بود. در سال ۲۰۱۸ میلادی، بیش از ۷۰ درصد صادرات جهانی شامل کالاهای غیرمتکی به منابع نفت، گاز، معدنی، آب و انرژی بود که سهم این کالاها در صادرات ایران شش درصد است. ایران دارای سهم جهانی ۱.۲۴ درصد از صادرات جهانی کالاهای متکی به رانت منابع و در مقابل سهم ۰.۰۴ درصدی از صادرات کالاهای غیرمتکی به رانت منابع است. درمجموع بیش از ۹۰ درصد صادرات ایران حاصل کار، تلاش و نوآوری نیست و در نتیجه تأمین رانت از منابع اقتصاد حاصل می‌شود. نظر به برخورداری گسترده از منابع ملی انواع رانت‌ها و به‌ویژه «نفت، گاز، معدنی، آب و انرژی»، ارز حاصل از بیش از ۹۰ درصد صادرات متعلق به عموم مردم است و نمی‌توان آن را متعلق به گروه خاصی دانست. در سال ۱۳۹۷، ۱۱۷ میلیون تن کالا صادر شد که رانت حمل‌ونقل (سوخت و سایر) آن بیش از ۱۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

مسیر انحرافی تأمین کسر بودجه

هم‌اکنون که دولت با کسر بودجه مواجه شده و از سوی دیگر رشد غیراصولی بنگاه‌های صنعتی و معدنی مانند واحدهای آهن اسفنجی و تولید فولاد در کوره‌های الکتریکی تقاضای مصرف انرژی الکتریکی را بالا برده است. هدف نحله‌های اقتصادی پشتیبان بنگاه‌های صنعتی و معدنی رانتی این است که ضمن انحراف مسیر تأمین منابع مالی دولت از سمت بنگاه‌های رانتی سودده به سوی اخذ مالیات تورمی از عامه مردم، با افزایش هزینه نهاده‌های انرژی برای مردم (به‌ویژه بنزین)، امکان افزایش مصرف انرژی و منابع بنگاه‌های صنعتی و معدنی رانتی را فراهم کنند. سیاست پشتیبانی از بنگاه‌های صنعتی و معدنی متکی به رانت منابع و انرژی (به‌ویژه فولادی)، در دولت‌های اخیر و به‌خصوص از زمان ارائه طرح خروج از رکود دولت در سال ۱۳۹۳ تاکنون به‌شدت تعقیب شده است.

سهم اکثریت و اقلیت از یارانه‌ها

با درنظرگرفتن اتلاف انرژی ناشی از سیاست‌گذاری‌های صنعتی مانند خودروسازی و همچنین اتلاف شدید انرژی در صنعت برق (تولید و توزیع برق)، سهم واقعی مردم از مصرف انرژی کشور کمتر از ۵۰ درصد است. در سال‌های اخیر مصرف گاز طبیعی یا انرژی الکتریکی بنگاه‌های صنعتی و معدنی از بخش خانگی فراتر رفته و ارزش «یارانه‌های خاص» واحدهای صنعتی و معدنی متکی به منابع خام (نفت، گاز و معدن) و انرژی از «یارانه‌های عام» کشور بیشتر شده است. در صورتی که تمام رانت‌های (یارانه‌های) ناشی از «منابع مالی و سرمایه‌ای»، «ارز ارزان برای سرمایه‌گذاری و در همین شرایط ارز گران برای فروش محصولات»، «بازارهای بسته و انحصاری»، «مالیاتی»، «صادراتی»، «حمل‌ونقل» و مهم‌تر از همه «قدرت» اعطایی به بنگاه‌های صنعتی و معدنی در نظر گرفته شود، روشن است که مجموعه این «یارانه‌های خاص» از «یارانه‌های عام» پرداختی به مردم بیشتر است. در کنار این رانت‌ها بایستی به رانت‌های سرمایه پولی، ملکی و تجاری اشاره کرد که «یارانه‌های خاص» پرداختی در این مسیر کمتر از بنگاه‌های صنعتی و معدنی نیست. به عبارت دیگر، «اقلیت ائتلاف غالب» دوبرابر بیش از «اکثریت عامه مردم» از یارانه‌ها و رانت‌های اقتصاد ایران برخوردار شده است و در اقتصاد به‌شدت رانتی ایران اقلیت کوچکی بخش اعظم رانت‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. در این اقتصاد که مزیت‌های رانتی بر مزیت‌های رقابتی غالب شده، نه‌تنها نوآوری و خلاقیت (اقتصاد دانش‌بنیان) که محور رقابت‌پذیری در جهان امروز است نادیده می‌ماند که حتی رقابت بر سر هزینه و قیمت نیز جایگاهی ندارد. کانون اصلی نزاع در اقتصاد ایران نحوه و چگونگی توزیع منابع اقتصاد بین «اکثریت عامه مردم» و «اقلیت ائتلاف غالب» است و شوربختانه تسلط نئولیبرالیسم و سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال، در یکی، دو دهه اخیر و به‌ویژه در شش سال گذشته، به‌شدت وزنه را به نفع «اقلیت ائتلاف غالب» سنگین کرده است.

مسیر انحرافی افزایش قیمت بنزین

هم‌اکنون بحث یارانه‌های انرژی در این راستا مطرح می‌شود که قیمت بنزین گران شود. یکی از عوامل اصلی مصرف بالای بنزین سیاست‌های خودروسازی ساخت داخل است که توسط تکنوکرات‌های متحد نئولیبرال‌های داخلی به اقتصاد ایران تحمیل شده و عامل مهم دیگر کمبود و نبود وسایل نقلیه عمومی است که تا این دو معضل حل نشود، افزایش قیمت بنزین اجحاف به عامه مردم است. تکنوکرات‌های بنگاه‌های صنعتی و معدنی رانتی سخت در جهت مهندسی افکار عمومی به نفع گروه‌های برخوردار از «یارانه‌های خاص» تلاش می‌کنند تا طبق روال و سنت سه دهه اخیر، با برخورد گزینشی و استفاده ابزاری، شرایط را به سمت افزایش قیمت‌های انرژی مصرفی مردم منحرف کنند. این نئولیبرال‌ها که در پشت نقاب اقتصاد آزاد و رقابتی پنهان شده‌اند، اصولا به نظام بازار آزاد و رقابت‌پذیری اعتقاد ندارند، زیرا با نسخه‌پیچی و موجه‌سازی در جهت پشتیبانی از سیاست‌های ضدرقابتی و در تضاد با اصول اقتصاد آزاد (به‌ویژه ثبات اقتصاد کلان با آزادی پولی)، حمایت از بنگاه‌های صنعتی و معدنی رانتی غیررقابتی (مانند فولادی‌ها) و حمایت یا سکوت در برابر تضعیف بخش خصوصی (حضور مردم در عرصه اقتصاد) و اقتصاد رقابتی عمل می‌کنند.

نجات اقتصاد

راهکار نجات کشور و اقتصاد آن در مردمی‌کردن اقتصاد به واسطه توسعه و حمایت از صنایع اشتغال‌زای پایین‌دستی و توقف رشد بی‌رویه بنگاه‌های صنعتی و معدنی زهکش رانت است. راهکار کلیدی اصلاح نظام یارانه‌ای، در اولین گام افزایش قیمت‌های فروش نهاده‌های معدنی و انرژی بنگاه‌های صنعتی و معدنی رانتی متناسب به قیمت‌های فروش محصولات آنهاست. تعدیل قیمت دستوری دلار متناسب با قدرت خرید مردم و توان اقتصاد، قدم کلیدی و مهمی است که شدت تحریم‌ها را کاهش می‌دهد و مانع از سقوط کشور در ورطه رکود تورمی می‌شود.

یادداشت

ماجرای گم‌شدن یک میلیارد یورو

هاشم اورعی . استاد دانشگاه شریف

● هفته گذشته رسانه‌ها خبری مبنی بر گم‌شدن یک میلیارد یورو ارز دولتی را منتشر کردند و دولت نیز به آن واکنش نشان داد. اولین نکته دراین‌باره آن است که واژه «گم‌شدن» در این مورد کاملا غلط است، چون این‌گونه نبوده که رئیس کل بانک مرکزی یک میلیارد یورو از ذخایر ارزی کشور را در جیب خود داشته و در تاکسی جا گذاشته باشد! واژه گم‌شدن وقتی اطلاق می‌شود که صاحب مال از محل کالای گم‌شده خبر نداشته باشد، درحالی‌که وقتی صحبت از یک میلیارد یورو یعنی حدود ۱۵هزار میلیارد تومان است، نمی‌توان ندانست که کجاست، مثل این است که بگوییم یخچال در آشپزخانه گم شده و به‌دنبال آن بگردیم! پس آنچه مسلم است پولی گم نشده است.

حالت دوم آن است که دزدی شده باشد و این یعنی سارقان مسلح به خزانه بانک مرکزی حمله کرده و به فرض آنکه یک میلیارد یورو وجه نقد در خزانه وجود داشته باشد که ندارد، اقدام به سرقت آن کنند که قطعا چنین اتفاقی نیافتاده است. خب چنان‌چه گم نشده و دزدی هم نشده، پس چه شده؟

قضیه از این قرار است که این مقدار ارز در اختیار شرکت‌های متعدد دولتی، خصولتی و خصوصی مورد تأیید دولت قرار داده شده تا نسبت به ورود کالاهای اساسی اقدام کنند. این هم که کار پسندیده‌ای است. پس ایراد کار کجاست؟ اشکال کار برمی‌گردد به وقتی که دولت یکی از اهداف اصلی اقتصادی خود را یکسان‌سازی نرخ ارز قرار داده و ناگهان معاون اول رئیس‌جمهور نرخ ارز برای تأمین کالاهای اساسی را حدود یک‌سوم نرخ واقعی آن اعلام می‌کند و ادامه می‌دهد که به هر میزان که لازم باشد، ارز با این نرخ در اختیار متقاضیان (البته که متقاضیان تأیید شده!) قرار خواهد گرفت؛ بنابراین اتفاقی که افتاده این است که ارز برای تأمین کالاهای اساسی مورد نیاز مردم در اختیار جمعی قرار داده شده و این عزیزان یا کالایی وارد نکرده یا به‌جای غذا و دارو، اقلامی مانند خودروی لوکس، کابل برق و کلاه‌گیس وارد کرده‌اند و در بازار آزاد فروخته‌اند. دفعه قبل وقتی که در پی درزکردن خبر ثبت سفارش چندین هزار خودروی لوکس در دورانی که سایت ثبت سفارش وزارت صنعت بسته بود و ترخیص از گمرک در نیمه‌شب و ورود آن به بازار آزاد، جامعه حساس شد و رئیس‌جمهور به وزیر مربوطه دستور داد که در چند روز گزارش جامعی ارائه دهد، در نهایت گزارش به ملت داده نشد و مهم‌ترین اتفاقی که افتاد این بود که وزیر محترم از پشت یک میز به میز هم‌عرض تغییر مکان داد؛ بنابراین دراین‌باره نیز نمی‌توان انتظار عکس‌العملی غیر از این داشت. اصلا فرض کنیم این‌بار تعزیرات به‌شدت برخورد کرده و سلطان ارز را اعدام کند، آیا واقعا مسئله حل می‌شود؟ جواب قطعا منفی است. مقصر واقعی آن است که با اجرای سیاست‌های اقتصادی غلط، دانسته یا ندانسته، مسیر انحراف و فساد را ایجاد می‌کند. مجازات سلطان ارز و سکه و دیگر سلطان‌ها فقط پاک‌کردن صورت‌مسئله است. ماجرای گم‌شدن یک میلیارد یورو نمونه‌ای دیگر از فساد سازمان‌یافته است و ریشه‌کن‌کردن آن به دست جمعی که خود شرایط آن را فراهم کرده و در آن سهم دارند، قطعا خیال باطل است. جان کلام اینکه دراین‌باره هم نه ارزی گم شده و نه دزدی صورت گرفته است، تنها مشتی دیگر از خروارها فساد سازمان‌دهی شده لو رفته و مثل موارد متعدد قبلی و بعدی به‌زودی‌ای به فراموشی سپرده خواهد شد؛ اما هزینه گزاف آن به‌بادرفتن سرمایه اجتماعی است که در نتیجه آن جامعه اعتماد خود را به دولت از دست می‌دهد و وقتی ارزش آن را خواهیم دانست که دیگر دیر شده است. افسوس.

خبر

قبوض کاغذی ۳۶ میلیون مشترک برق از مهرماه حذف می‌شود

● مدیرکل مدیریت مصرف و امور مشترکان توانیر با تأکید بر اینکه صدور قبوض کاغذی برای ۳۶ میلیون مشترک برق کشور از مهرماه متوقف خواهد شد، گفت: شماره تلفن همراه حدود ۸۰ درصد مشترکان برق برای ارسال قبوض پیامکی و دیجیتال جمع‌آوری شده است. به‌گزارش فارس به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نیرو (پاون)، هادی مدقق در گفت‌وگو با برنامه «روی خط خبر» شبکه خبر با اشاره به اینکه چهار روش به‌منظور دریافت شماره تلفن همراه مشترکان برای ارسال قبوض پیامکی در نظر گرفته شده است، عنوان کرد: در روش نخست، مأموران قرائت کنتور پس از مراجعه به منازل شماره تلفن همراه مشترک را دریافت و در سامانه ثبت خواهند کرد.

وی ادامه داد: در روش دوم نیز سرشماره‌ای اعلام شده است که مشترکان با ارسال شماره شناسه اشتراک خود، اطلاعاتشان در سامانه ثبت خواهد شد و پس از این قبوض خود را به شکل پیامک دریافت خواهند کرد.

مدیرکل مدیریت مصرف و امور مشترکان توانیر در پایان گفت: هم‌اکنون در دو استان کشور این برنامه کاملا پیاده‌سازی شده و در این مناطق تنها قبوض الکترونیک صادر می‌شود.